

بسم الله الرحمن الرحيم

خطبه‌ی ولادت امام جواد (ع) و حضرت علی اصغر (ع) ۸ دی ۱۴۰۴

سپاس و ستایش خدایی را سزااست که بارانِ رحمتش بر کویر دل‌ها بارید و نهمین خورشید هدایت را از افق امامت نمایان ساخت و سلام و درود بی‌پایان بر سید کائنات، محمد مصطفی (ص) و خاندان پاکش، به ویژه بر هشتمین حجت حق، حضرت علی بن موسی الرضا (ع) که امروز چشمان مبارکش به جمال زیبای فرزند گرامی‌اش «جوادالائمه (ع)» روشن شده است.

دهمین روز از ماه پربرکت رجب شاهد طلوع خورشیدی بود که جهان خاکی را با نور رحمت و حکمت خود منور ساخت. ایشان که در سن ۸ سالگی به امامت رسیدند ثابت کردند که حجت خدا را سن و سال محدود نمی‌کند؛ چرا که چشمه‌ی جوشان علم الهی در سینه‌ی مبارکش جاری است. او «تقی» بود تا پرهیزگاری را در اوج جوانی به ما بیاموزد و «جواد» لقب داشت تا بدانیم در خانه‌ی اهل بیت، هرگز به روی سائلی بسته نمی‌ماند.

آری او آمد تا خلیفه معنا شود. جانشین پروردگار بر زمین، همان خلقت با عظمتی که تمام حرکات و اعضاء و جوارحش نشان از اعجازی بی‌قرینه دارد. اسراری شگفت‌انگیز که در وجود خلیفه نهفته است و تنها کلام مبارک و علم بی‌پایان بانوی دو عالم حضرت زهرا (س) می‌تواند آن را برای ما آشکار سازد. ایشان در این باره می‌فرمایند:

انسان، در مقابل پروردگارش به ذره‌ای تبدیل می‌شود؛ ذره‌ای که نقش‌پذیر وحی بوده و با آن موجودیتش را اعلام فرمود. عوامل هستی به تماشایش ایستادند، نامش را سؤال کردند و پروردگار عالم فرمود: «من از روح خودم در او دمیدم، تا نام خلیفه را بر او اختصاص بدهم و چون نامش را اعلام کردم، همگان بر او سجده کنید و فرمان‌برش شوید». فرمان پروردگار اطاعت می‌شود. در احسان الهی گشوده می‌گردد و سفره‌ی عشق گسترده می‌شود. همگان بر روح خداوندی‌اش سجده می‌کنند و جان ماده، نقش

او را در جانش جاودانه می‌سازد. فرامین ثبت می‌شود، جهان به حرکت درمی‌آید و روح، فرماندهی جانِ ماده می‌گردد که بی فرمانده، جسم میّت است و بی حرکت.

به تمام انگشتان دست کدی منحصر به فرد تعلق می‌گیرد. کدی که تمامی اعضای بدن آن را می‌شناسند. به هنگام عبادت که پیش از آن، دستور به وضو داده شده انسان در مقام مسح، دست بر فرق سر می‌کشد و به عظمت خالق گواهی می‌دهد؛ در این لحظه، «کُدِ عبادت و ذکر» فعال می‌شود و روح رو به سوی ملکوت می‌گرداند و آنگاه که دست بر پا کشیده می‌شود «کد توقفِ فعالیتِ دنیوی» فعال می‌گردد. امری که مغز آن را می‌شناسد. پا باید از حرکت بازایستد تا پیوند با آسمان برقرار شود. بدین‌سان، پایِ ظاهری، به فرمانِ کُدِ سرانگشتان، از تکاپو باز می‌ماند تا موانعِ ظاهری از پیش پایِ روح برداشته شود و این، حقیقتِ عبادت است.

گرچه افکارِ انسان در مکانِ عبادت متوقف نمی‌شود اما جسم، به فرمانِ حق، ساکن می‌ماند و خطوطِ سرانگشتان، در محلِ عبادت ثبت می‌شود تا روزی که به امرِ پروردگار از زمین دوباره برانگیخته شود، آنگاه اعضای جان به واسطه‌ی همین خطوط به سخن درمی‌آیند و جسمِ مادی، به روحی سخنگو بدل می‌گردد.

در لحظه‌ی مرگ، گُدهای مغز فرمانِ ایستادن را دریافت می‌کنند. جسم بی‌حرکت می‌شود و انسان مرده محسوب می‌گردد. جسم به خاک سپرده می‌شود و روح به جایگاهِ عملِ خویش بازمی‌گردد و همان‌گونه که کتابِ آسمانی فرموده است: خطوطِ سرانگشتانِ هر کس با دیگری متفاوت و منحصر به فرد است و آنچه در آغازِ خلقت به آنان وحی شده در نفسِ لَوّامه به امانت نهاده شده است. پس اگر انسان انگشتِ خویش را در زندگیِ دنیوی در آتشِ نفس بسوزاند تنها انگشت می‌سوزد اما نقشِ سرانگشتان تغییر نمی‌کند و در قیامت، عذابِ صاحبِ خود را مهر می‌زند و جانش را در محکمه‌ی الهی محکوم می‌سازد. آنجاست که قاضی، سختگیر می‌شود و حکم صادر می‌گردد. همان حکمی که قرآن کریم برای هر گناه به اطلاع همگان رسانده است.

پس خلیفه، فقط یک نام نیست؛ او اعجازِ آفرینش است با همان توصیفی که کتابِ آسمانی بیان می‌کند. آنجا که پروردگارِ عالم فرمود: «او جانشینِ من است» و لوحِ

محفوظ در وجود هر خلیفه‌ای به امانت نهاده شده است تا در مقام حکمرانی، اوامر الهی را مهر کند و فرمان همان باشد که پروردگارش امر فرموده است. پروردگار عالم در کتاب آسمانی فرمود که آفرینش زمین و آسمان از آفرینش انسان دشوارتر است. پس چرا بر انسان سجده کردند؟ چون امانت جان، در اختیار خلیفه است و او می‌تواند گداهای جان خویش را دگرگون کند و جان را به فرمان خویش درآورد. انسان هم گداهای بهشت را می‌داند و هم گداهای جهنم را. تمام گداهای آفرینش در جان او نهاده شده و خود برای ثواب و عقاب خویش، آن‌ها را فعال می‌کند. پس سپاسگزار خلقتی باشید که عظمتش با هیچ قلم و مرکبی نوشته نمی‌شود و با هیچ عبادتی به تمامی توصیف نمی‌گردد.

پس در نهایت باید دانست که مقام خلافت انسان در این است که جسم او، ابزاری در دست روح خدایی اوست تا فرمان‌های الهی را روی زمین اجرا کند. اگر فرشتگان بر انسان سجده کردند، به پاس آن حقیقت جاودانه‌ای بود که در وجود او نهفته است. پس وظیفه‌ی ماست که از این امانت چنان مراقبت کنیم که در روز دیدار پروردگار، اعضای بدنمان گواهی بر بندگی و حرمت‌داری ما نسبت به این مقام والا باشند.

اینک دست به‌سوی پروردگار خویش بلند می‌کنیم و در این شب عزیز از او می‌خواهیم که به حرمت مولود مسعود امشب، غبار غم از دل‌های ما بزداید و تقدیر ما را در این ماه عزیز، به قبولی طاعات و بندگی مزین فرماید.

خداوندا! تو را سوگند می‌دهیم به بخشنندگی صاحب امشب که جودش بی‌کران و کرمش بی‌انتهاست. در این ماه رحمت و استغفار قلم عفو بر گناهان ما بکش و ما را لایق نگاه پرمهر خویش بگردان.

به حق این مولود کریم، فرج ولیات، خلیفه‌ی بر حق خود بر زمین، حضرت صاحب‌الزمان (عج) را نزدیک بفرما. پس به امید اجابت می‌خوانیمش به دعای:

اللهم عجل لولیک الفرّج